

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

۲ شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۳۴

سال اول - شماره ۷

پلم آقای دکتر یونس برهانی

سیاست استتار

روزی که این سیاست استتار از میان ما رخت بر بندد و روزی که ما بتوانیم مطالب ساده را می بردی پوشی با هم دو بیان نمیم بسیاری از مشکلات را میتوانیم حل کنیم.

وقتی که از کسی می پرسید حالت چطور است میگوید «چه دعا گوئی من تنوم»

ارکاسب می پرسید فلان چیست قبتش چیست میگوید «فایلی ندارد»

اینده ، حقیقت را در پس پرده تاراف پنهان میکنند از اداره ای اطلاعاتی میخواهند منصدی امر دستنوارا بهم مالدیم یا بوسی سررا کج کرده یک دردی نکنه میکند مثل اینکه سئوال بسیار محرمانه و فوق العاده است که اگر حقیقت را بگوید زمین و زمان بهم خواهد خورد.

ازو کیلی اگر پرسید دستور امروز بجاس چیست گوشه اتانیز کرده چشمان را براق نموده مثل اینکه خود را در خطری عظیم می بیند او را موضوع را بجای دیگر کشانیده از هوا و طبیعت و عرف و باران صحبت بیان خواهد آورد.

این دوام از بیان حقیقت نگرانه . و همینطور بر شخص و بهر قلمی که مراجعه خود حقیقت را میبوهانند و با مطلب را بصورتی غیر از آنچه هست بیان میکنند و برای بگری نشانن آن دلایلی مبتراشنه و سعی دارند شخص گفته های انرا باور کند و هیچ شک و تردیدی بحدود راه ندهد وقتی که بد شخص قانع شده خود را مظفر می دانند و این عمل خود را اشامکاری می پندارند و در دل بخود مدحین میکنند.

در نتیجه همین استتار و پنهانی داشتن حقایق است که مردم همیشه در مقابل اعمال انجام شده قرار میگیرند که اکثر بزبان ملت و صلکت است .

تمام کارها از کوچک و بزرگ در پس پرده انجام میگیرد در و حالیکه مردم بر سر مطالب می رسد و در جنگ و جدال و جنت و مشاخره هستند . و نتیجه هم کار و سعی بنظ انجام شد چند روزی داد و فریاد مردم بلند میشود جوشها میزنند در خیال مشت ها را گرم میکنند ولی خود بخود در سایه مرور زمان حرارتها کم میشود جوشها زایل میگردد و خیال توجه مطالب دیگر میشود و آن مشت های گرم شده هم بازمیگردد و عمل انجام شده سیر استتاری خود را پایان میرساند . بدون اینکه کسی آن انکار اولیه و آن اعتراضات تهدید آمیز خود را تحقق کند .

ماوروی در منطقه ای بیل خود گزارش غلطی میدهد عمل خطائی مرتکب میشود گزارش او سکونم و محرمانه است کسی از مفاد آن نباید مستحضر شود عمل بر رویه او انجام شده است ماست مالی میشود تا بحیثیت اداری اطنه وارد نباید مردم اگر اعتراضی بکند حش القدر آشکار نیسازند و اگر فریاد مردم بلند شود و برای استفاق حق خود این در و آن در برتند بواسطی انگشترا بر لب گذاشته میگویند سرسرس موقیبت مناسب نیست منتضیان قلمی اجازه نمیده .

وضع رفت انگیز بهداشت کودکان در ایران

با امریکائی بخواهند مانند اسصابیه های دیگر قاموسی از بدبختیها و بیساریهای بشری گرد آورده و بنویسند میتوانند در اندک مدتی بایک مسافرت در نقاط مختلفه ایران همه آنها را دیده و سنجیده و مجموعه کاملی تهیه نمایند - مابین تمام این بلاها نخستین چیزی است که جلب نظر بکند دریا دیده بی طرف می باشد و در حقیقت بزرگترین ومدش ترین گرفتاری های ایران بشمار میرود همانا وضع رفت انگیز کودکان است .

اهدیت کودکان در تشکیل پایه و بقدر در صحت

در سرزمین ما ایران که وسعت خاک آن بیش از سه بربر کشور فرانسه است حدا اکثره ۱۰ میلیون نفر فقط سکونت دارند یعنی نسبت جمعیت فرانسه ۱۰۰۰۰ مهبدا می بینیم که زندگی این جمعیت ثلیل در این آب و خاک پنهان و بطور وقت آور و با نهایت سختی میکنند البته با استناء آن یک درصد طیفه اعیان و اشراف (و تمام مصائب و آلام قابل تصوریکه از آغاز خلقت جهان در میان او پیشتر وجود آمده است گریبانگیر این مردم هستند و می پز شده و هر کدام از ما در هر لحظه مواجه با آنها میشوند چنانکه اگر دانشندان اروپایی

کسی بپست برسد این مقنضیان چیست و کی اجازه خواهد داد که مردم از سرنوشت خود مستحضر گردند کسی این ملت بیچاره میتواند امیدی پیدا کند که وقتی حق حیات خواهد داشت - اگر کسی بافتاری کند باز دست مرموزی از سیاست استتاری بیرون آمده اگر نوبسده است قلم او را میشکند و اگر فریاد کننده است گدایش را میباشارد و باز استتار حکمفرما خواهد شد .

و باین ترتیب ما همیشه در تاریکی - اقباسی را می بینیم که حرکاتی انجام میدهند ولی بقدری جاو چشم ما پرده - گذارده اند که اغلب آن اشباح را هم تشخیص نمیدهند و حتی حرکات آنها را هم بقدرستی نمیبینیم مثل کسانی که خواب به بیند چشمان خود را مالش میدهند تا شاید از این خواب غفلت بیدار شویم .

دوسایه این استتار هر بلایی که تصور خود رسر ما ما بآوردند هر کسی را که به شواهد بر ما حفر ما میکند و هر چاهی را که لازم بداند برای ما میکند و ما بی خبر از هر راهی جز هر آن در چاهی فرو میرویم یا با کسی بر میخوریم و با وجود این که مرثا در هر قدم سرمان بسنگ می خورد بخود نمی آیم کور گورانه راهی را که در پیش داریم میبیماییم راهیکه ما را بطرف بریکاهی مهیب هدایت میکند و فرستگای از جاده سعادت و نیک بختی دور میسازد .

ما شاید و اما این قدر ناپیدا هم

نیستیم شاید چشمهای سالمی هم داشته باشیم ولی اگر با همین چشمهای سالم دست هایمان را از پشت بسته و دستالی محکم هم در جلو چشمهای ما بیندند چه خواهیم دید و چه خواهیم کرد چرا اینکه دست خود را بدست ناخفاسی بدهیم و تقاضا کنیم ما را هدایت کند .

این ما سکه دست های ما را بست اند همین مجلسیان نفع برست هستند و اینها که چشمهای ما را پوهانیده اند همین اولیای امور خود بستند هستند و این دست مرموز آن پیشوایان هستند که از تاریکی چشم ملت استفاده نموده در راهی که به برنگاه هبقت نیستی و بدبختی منتهی میشود ملت را هدایت میکنند .

دست ما را بسته اند تا هدایتی برای جولان خود داشته باشند و بدون اینکه کسی در سر راه آنها مانع باشد بتازند چشمان ما را پوهانیده اند تا خود از روشنائی بدلغواه استفاده کنند و کسی چراغ امید آنان را خاموش نکنند دست ما را گرفته دنبال خود میکشند تا کسی آستینشان را نگیرد و با پشت از این راهنائی غلط خود سر راهت جاو گیری نکند .

تا هنگامیکه با یک تکان ، یک تکان محکم و قوی این بند را از دست باز نکنیم نمیتوانیم یاریهای که جاو چشم ما را گرفته برداریم و مادام که دست و چشم هر دو باز نیاشد این راهنایان کرمه را نمیتوانیم از پیش پای خود کنار کنیم .

آیا خوانده چند وقتی با ما عطا خواهد کرد

اخبار داخله

نمایندگان ایران در انجمن سائترالسیکو

بنده از استقامت آقای انتظام وزارت خارجه از طرف آقای نخست وزیر مجدداً بوسیله تنگنالی آقای حقی زاده تهاضا هد که ریاست هیئت امراضی را قبول کنند ایشان بملر گالت مطهرت خواسته اند لذا آقای نخست وزیر از آقای ملا تهاضا کردند ایشان هم بملت گالت مزاج قدر خواستند سپس آقای نخست وزیر به آقای مستشار الدوله صادق مراجعه نمودند ایشان هم بپسند ملت خود داری کردند. از قرار معلوم دولت در نظر دارد آقای البهار صالح و ابو شیرین سببه را نامزد ابتکار نماید

عزیمت با آمریکا

آقای منصور السلته عدل وزیر دادگستری با اتفاق آقای دکتر قاسم زاده استاد دانشگاه و مشاور حقوقی وزارت امور خارجه برای شرکت در انجمن واشنگتن از قلمه مرئی پست آمریکا حرکت کردند.

شرقیانی آقای سفیر کبیر مصر بحضور ملوگانه

بر حسب وقتی که تعیین شده بود ساعت یازده صبح ۱۵ فروردین آقای محمود ثابت باها سفیر کبیر امپراطور پادشاه مصر که نارگی تهران وارد شده اند بحضور امپراطور همایونی شرقیانی حاصل

ساعت ۵ بعد از ظهر نیز آقای سفیر کبیر دو ساعت مرم بحضور همسر ما بنده و دفتر امپراطور ملکه فرجه پهلوی را مشاهده نمودند

رئیس کل شهر بانی

آقای سرتیپ شرای رئیس دیوان تجدید نظر نظامی بر ریاست اداره کل شهر بانی منصوب و مشغول کار شده اند

رئیس باشگاه افسران

آقای سرایب محمد باقر امیر نظامی بر ریاست باشگاه افسران منصوب و آقای سرتیپ مالک رئیس باشگاه مزبور پسندادش منتقل شده اند

حرکت استانداری تبریز به تهران

آقای داوود اسفندیار تبریز از تبریز پست تهران حرکت کرده.

انتصابات وزارت پیشه و هنر

آقای مهندس احمد میکزاده بر ریاست کارخانه های هیرگاه آقای مهندس ابوالحسن فریب بر ریاست کارخانه روغن کشی و رامین آقای مهندس ولی آزاد پور ریاست منحص قیس و مشاور فنی کارخانه های نساجی منصوب شده اند.

اعزام بازرسی فرهنگی

چون از وضع کار ادارات و آموزشگاه های ولایات معلوم و ما شهرهای کوچک و متوسط اطلاع صحیح در دست نبود در نظر گرفته شد هیئت نفر از بازرسان عالی مقام وزارت فرهنگ با اختیارات کامل بهرستانها اعزام شوند تا از طرف کار و جریان ادارات و مدارس و سوابق تحصیلی دانش آموزان بازرسی نموده و در رفع نواقص اقدام لازم بعمل آورند و برای اجرای این منظور آقایان ذیل انتخاب و بزودی بعوضه های ماموریت خود حرکت مینمایند.

- ۱- آقای کاظم تفتلی بازرسی عالی وزارتتی. گردستان - اه - ان. ملاهر. گروس. گلپایگان.
- ۲- آقای احمد آرام بازرسی عالی وزارتتی. اصفهان عباسی. مکران. بزد. کرمان.
- ۳- آقای مرتضی مدرس. خرمین. کرمان. مازنه ران شهبوار. کرگان.
- ۴- آقای حسن آوری. کاشان. فارس. پوشهر.
- ۵- آقای لیوژان. زنجان. استان سوم و چهارم.
- ۶- آقای علی اکبر مهران. کرمانشاه. مدارس ایرانین.

در مجلس شورای ملی

ریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی را اعلام داشته بود اعتراضات مخالفین ایشان مورد اثر واقع نشد و باین ترتیب آقای سید محمد صادق طباطبائی بر ریاست مجلس انتخاب شدند.

پنجشنبه ۱۶ فروردین

در این جلسه انتخاب نایب رئیس های مجلس بعمل آمد.

آقای ملک مدنی با اکثریت ۷۴ رأی از ۹۴ رأی نایب رئیس اول.

آقای دکتر معینی با اکثریت ۷۱ رأی نایب رئیس دوم انتخاب شدند جلسه

پنجمین تنفس تعطیل و موکول بفروردینگر شد.

شنبه ۱۸ فروردین

ابتدا آقای اردلان وزیر دارائی لایحه مرخصی غایبه جات را تقدیم نموده سپس مجلس به انتخاب چهار نفر مشغول پرداخت.

در نوبت اول آقایان:

صادق با ۵۶ رأی
حاشمی با ۵۰ رأی حائز اکثریت شدند.

در انتخاب نوبت دوم چون اکثریتی برای دومین دیگر حاصل نشد مجدداً انتخابات شروع و آقایان جواد مسعودی و طوسی با اکثریت نسبی:

آقای جواد مسعودی ۴۴ رأی
آقای طوسی ۳۷ رأی

انتخاب شدند.

پس از تعیین مشرف ها انتخاب دو نفر کارپرداز شروع شد در نوبت اول اکثریت حاصل شد و چون یکساعت و نیم از ظهر گذشته بود جلسه تعطیل گردید.

یکشنبه ۱۹ فروردین

انتخاب کار پردازان مجلس موضوع دستور بود آقایان: اجوی با اکثریت ۵۸ رأی حاشی ۵۶ رأی واقعی ۵۳ رأی ۶ صت کار پرداز مجلس انتخاب شدند.

بنده از دستور آقای رحیبیان نامه فوجان طی لفظی توجه دولت را بوشخ هراسان و بخصوص انابه فوجان جلب کرده بعد از ایشان آقای مجد شبانی راجع ۹ طرح های موجوده و لوابح اظهاراتی نموده و مجلس مقارن ظهر بملت نهادن اکثریت ختم شد.

پس از چند روز تعطیل و سی ماه و پس از چند روز تعطیل ساختگی بالاخره روز چهاردهم فروردین ماه اولین جلسه مجلس شورای ملی در سال نو تشکیل شد و امضا برای آغاز جلسات سال نو مجلس نایش خوبی داده. نمونه ای از روح و جدت و همکاری و اطمینان و اعتماد بیکدیگر در این جلسه نمایان شد و ملت باین مجلس سفیفة (۱) امیدوار شد

تا بعد از نشست آراء در مجلس و اختلافتان داخلی بر سر دولت بود ولی بعد از سه اسال در سایه هدایت نمایندگان این نشست در مجلس و بروی مسائل داخلی مجلس هم شروع شد.

شنبه ۱۴ فروردین

در جلسه ۱۴ فروردین مباحثات انتخاب هیئت رئیسه مجلس تجدید شد گویا چند روزی هم که مجلس در تشکیل جلسات خود تاخیر کرده بود برای این بود که قضیه انتخابات هیئت رئیسه را آقایان نمایندگان دوستانه و دو بین خود حل کنند و بدون اینکه عکس - الدلها و تضاهراتی در خارج داشته باشد قول و قرارها را در بین بیکدیگر رد و بدل نمایند و صورت ظاهر تشریفاتی در روز ۱۴ فروردین در مجلس انجام شود

ولی با تمام این پیش بینیا انتخابات هیئت رئیسه که با انتخاب رئیس مجلس شروع شد بسیار ناموفق بود بر حسب زد و بندها که در اصطلاح مجلس اتلاف میگردد و کاهیدها آقایان سید محمد صادق طباطبائی و فرخ بودند در نوبت اول و دوم اکثریت قطعی بدست نیاورد ناچار برای بار سوم رای گرفته شد و آقای سید محمد صادق طباطبائی به اکثریت نسبی -

۴۹ رأی در مقابل ۴۸ رأی فرخ ریاست مجلس اعلام شدند این اکثریت ایشان هم بدین ترتیب حاصل شده بود که ۴۶ رأی بنام سید محمد صادق طباطبائی بود و سه رأی بنام طباطبائی این سه رأی را هم که بحساب ایشان منظور نبودند حائز اکثریت شدند.

آقای مستدعی بر منصوب داشتن سه رأی طباطبائی مطلق برای آقای سید محمد صادق طباطبائی مترشح بوده اظهار داشتند که در مجلس دو نفر طباطبائی دیگر هم هست و معلوم نیست این سه رأی هم متعلق به آقای سید محمد صادق طباطبائی باشد بهر حال چون نایب رئیس مجلس

۷- آقای حسن ذوقی - سبزوار. خراسان. بیرجند. سمنان.

واندان - خاوه.

۸- آقای غلامحسین مصاحب بازرسی وزارتتی. قم. ساوه.

اراک. بروجرد. گرم آباد. خوزستان. آبادان.

وضع وقت انگیز بهداشت کودکان در ایران

بچه از سن ۱
 پیش از یک جامه محتاج بدلیل و برهان نیست
 همیشه باید گفت همانطوریکه بیاچه
 لندن و شمالی اروپاییان اول از بهبود
 و زندگانی کودکان آغاز گردیده است
 همانطور هم واضح و آشکار است که
 هاند مهم بدیعتی ایران و عقب ماندگی
 ایرانیان نفس مهمی است که در برستاری
 و تربیت کودکان ایران مشاهده میشود .
 شما بیاید یک کودک اروپایی را
 با کودک ایرانی همسال او مقایسه نماید
 بالذات تمایلی خواهد برد که تفاوت
 از زمین تا آسمان است در حالیکه اولی
 رختخوابی سرخ رنگ - مزاجی قوی -
 چشایی شاداب و جاندار - روحی باز
 و کنجکار دارا بوده و خلاصه از قیافه و
 شکفتن آثار زندگی شاد و خلاصه
 همه چیز زندگی تراش میسازد . . .
 در عوض دومی چهره زردفام - مزاجی
 و نچوور ننگامی همراکیز و بیبوت داشته
 بیازی و شوشی غلظت نشان ندیده گناه
 گرین و نالان و گناه ساکت و خواب
 آلود میباشد . . .

در اینصورت سروشت آینه هریک
 ازین دو کودک معلوم بوده و میتوان حدس
 زد که کدام یک جوانی رشید خوش اندام شاش
 و صاحب اراده قوی و صدقات پسنده
 خواهد شد و کدام یک بیبرنا ضعیف و بدین
 زندگی و متقابل بسگر و دورویی و کلاه
 گذاری خواهد گردید . . .

از طرف دیگر مرک و میر کودکان
 در ایران خود نرازی جدا گانه است .
 باوجود آنکه غالب خانواده های ایرانی
 بکثرت اولاد معروف هستند باز در عرض
 صدسال اخیر، هنوز برجست ایران ییزی
 افزوده شده است . . . زیرا شما خانواده
 سراغ ندارید که یک یا چند تن از چکر
 گوشه های خود را در سنین مختلفه کودکی
 از دست نداده باشد - آبله - سرخک -
 مصلک - سیاه سرفه - دقاری - صبه
 مالاریا - سل و غیره و غیره هر سال هزار
 ها کودک ایرانی را تلف میکنند و یا
 برای همیشه مزاج آنانرا تحریف و شکنجه
 و فرسوده میسازد .

چرا باید سروشت کودکان ایران
 آچنان حزن انگیز و ملالت ساز باشد ؟
 شکی نیست که در حال مهم پیش از بهدایش
 این وضعیت میباشد: بکی بهداشت همگانی
 و دیگر بهداشت خانوادگی
 تا این بهداشت همگانی را بپوشد

وزارت بهداری معلوم کرده اند که اگر
 این وزارتخانه بواسطه سازمان هریس و
 طویل و برستل مفعول خود نتواند بهینه
 قسمتهای بهدایت کشور رسیدگی نماید
 لا اقل قسمت اعظم بودجه خود را برای
 جلوگیری از بیماریهای مسری و واگیر
 بهصرف برساند .

اما در قسمت بهدایت
 خانوادگی باید اذعان نمود که کودک
 ایرانی از نخستین روز تولد تا هنگامی که
 بعد باغب پرست - اگر - - - - - روی
 اصول فطری باز میآید و هنوز هم در
 غالب خانواده های ایران سیستم عهد عتیق
 پرستاری کودکان که هیچگونه پایه علمی
 و تجربی ندارد مرسوم و معمول است
 . . . اینجاست که روی سخن بسوی مادران
 و بانوان معطوف میشود زیرا آنها
 هستند که مسئول تربیت و پرورش
 نوزاد خود میباشند - آنها هستند که
 بایستی با آشنائی قواعد بهدایت پرستاری
 صحیح کودکان از هرگونه کوشش در
 این راه خودداری نمایند و جای آنکه
 در صدد تقلید پوشش و آرایش زانسان
 اروپایی بسر آیند از طرز بار آوردن
 کودکان آنها سرمشق بگیرند که هم
 دارای بجه های تشنگ و سالم و با روح
 پیوده و هم آینه میهن خود را تا این
 کرده باشند . . . در واقع آنان که
 به آینه ایران و به تدرستی فرزندان
 ایران ملانند هستند بایستی در وهله
 اول بهدایت حکومت خود را -
 اصلاح نمایند و قیمت سنگت کوشش و
 بودجه و توانائی خود را در این راه صرف
 کنند زیرا این کاریست که صد درصد نتیجه
 مثبت میدهد راه عمل آن روشن بوده و
 اصول و قوانینی که بر اثر تحقیقات و تحقیقات
 دانشمندان مکشرف شده است جای افتاد
 ندارد .

از روی همین نظراست که اینجانب
 بنام بهدایت مدبر محترم نامه کوهستان بر
 آن شد که از نتیجه مشاهدات خود در
 پرورشگاههای سوئیس و بلژیک آنچه را که
 برای اسفند خوانندگی از راجع بطرز
 پرستاری کودکان مناسب بداند در شماره
 های آینه نامه کوهستان بتدریج درج نموده
 و امیدوار است که مورد توجه هم میهنان
 ما و مخصوصا مردم کوهستان واقع
 گردد .

اخبار خارجه

در جبهه باختری

ارتشهای مارشال موسکوری بدو بست و پنجاه کیلومتری خاور
 دن و میان راه بین رود دانه و برلن رسیده اند .
 از طرف دیگر قوای روس به بست و پنج کیلومتری برمود ۲۵ کیلومتری هانور
 رسیده اند و در کاپس از وصول نقطه ای در شانزده کیلومتری هانور
 بطرف برنشویک متوجه گردیده و ایک دو ۳۰ کیلومتری این شهر
 میباشند .
 در مرکز جبهه ارتش هفتم امریکا ۷۵ کیلومتری نورمبرگ
 رسیده اند .

جبهه برمه

ارتش چهاردهم بزرگترین پیروزی در بینکار برمه نال شده .
 ژاپنیان کلا شکست خورده و هزیت اختیار کردند و برای
 آنکه باقی مانده قوای خود را نجات دهند از تاریکی شب استفاده
 نموده و بسوی جنوب و خاور فرار کردند و در کوه های هانی مخفی
 شدند .

جنگ دریائی در اقیانوس آرام

یک جنگ دریائی بزرگی در اقیانوس آرام بوجود پیوسته
 و دهه بسیاری از کشتی های جنگی ژاپن در این بیکار شرکت
 داشتند .
 ظاهراً خیال ژاپنها اقدام بدیلات تهاجمی بود زیرا نیروی
 دریائی آنها کلا مرکب از کشتیهای تنه رو بود .
 اهلایه در پاسالار اینس مشعر بر آنست که طی جنگی که در
 منطقه اوکینا وا بوجود پیوسته شد کشتی جنگی ژاپنی ها که یکی
 از آنها کشتی بزرگ از نوع امانو بود غرق گردیده اند .
 سرویس هواپیمای ژاپنی نیز سرنگون گردیده اند .
 تلفات امریکاییها عبارت از سه تار شکن و هفت هوا پیمای
 بوده است .

جبهه خاور

اداره اطلاعات شوروی واقع بدیلات هفتم آووبل اوشیحاتی
 داده اشمار میدارد که نیروهای جبهه چهارم اوکرائی در گروه های
 کاریات در شمال باختری روزامیرک متجاوز از سی نقطه را که هفت
 نای آنها فوق العاده مهم میباشد تصرف نموده اند .
 نیروهای جبهه دوم اوکرائی هم در شمال باختری و شمال
 براتیلا را حلات خود را تقویت نموده شهر نو مستو و پنجاه نقطه
 دیگر را که بازده نای آنها مهم میباشد تصرف شده اند لشکر پیاده
 نظام بیست و چهارم مجارستانی انمام اسلحه و ساز و برگ خود و
 سرهنگ فرمانده و ستاد وی تسلیم گردید .

در منطقه وین نیروهای جبهه سوم اوکرائی حلات خود را
 تقویت نموده و در بلژیک و بر سوئیس و کارستر نو برگ را تصرف کرده اند
 نیروهای ما در شمال باختری وین در رود دانوب رسیده و در قسمت
 جنوبی پایتخت اتریش در میان کوچ و خیابانها شروع بزد و خورده
 نموده اند . از طرفی هم در جنوب باختری در پایه بالان نیروهای
 ما با تانک و اسلحه های ارتش بلغارستان بیکار گان پیشرفته شهر و
 اینسنگ را آهن کاوکا و بیک شهر دیگر را تصرف شده اند .

کشور اتحاد جماهیر شوروی
 قرادان بیطرفی خود را با ژاپن
 لغو کرد

مهندس نور چشم

پیش کشاورزی

نگاتی را که کشاورزان باید تو جه نمایند

انتخاب بدو بگی از عوامل مؤثر در حاصلخیزی و مرغوبیت محصول و دفاع در مقابل آفات و امراض است ولی پنهانی بدو خوب موجب افزایش محصول بوده و توجه زارع باید معطوف با اصلاح اراضی زرد می گردد .

بطور کلی عدم حاصلخیزی اراضی معادل پنه عت است .
(الف) زمین باطلاتی است و بی آب زیاد دارد . این نوع اراضی بیش (خفک شدن بوسائل مختلفه از قبل زه کفی و غیره قابل کشت نیستند باید بکاشت درخت هایی که احتیاج زیاد آب دارند مبادرت نمود .

(ب) اراضی که اعك زیاد دارند محصول خوبی نتوانند داد و دادن کود زیاد هم آنها باز تنایب مطرب نمیدهد .
(ج) خاک مزروعی همین است در این صورت بتدریج باید سالیانه بیضق زمین افزود تا کسنتهای مرده (بیرساک مزروعی بالا آمده و متوجه قابل کشت کرده و عقب خاک زراعتی را زیاد کند .

(د) کم قوت بودن زمین موادی که وسیله رفته برای ادامت حیات و رفه و شو لغات از زمین گرفته میشود باید بزمین برگردد و اگر این عمل استرغاد صورت نگیرد چیزی نتواند گذشت که زمین کم قوت شده و وسعت زراع بهر خواهد رفه برای جبران کسر مواد زمین معولا کوه میدهند . این کودها یا وارد خاک دیه تهیه میشوند و یا باید از خارج تهیه نمود معولا کودهایی که داخل دیه تهیه میشوند فو تو خند کود حیوانی و کوه سبز .

کود حیوانی از درقسه تشکیل شده اول فضولات دوم ادرار .
بطوریکه آزمایش شده فضولات حیوانات از ۶۵ تا ۸۵ درصد آب از ۲ تا ۶۰ درصد ازت از ۲۰ تا ۸۵ درصد هراز آمید فسفریک و از ۱۵ تا ۴۰ درصد هراز بطاس دارند و ادرار همان از ۲۰ تا ۹۰ درصد آب ایم تا یک و نیم درصد ازت و ۱ تا ۵ درصد هراز آمید فسفریک و یک تا ۱۰ درصد درصد بطاس دارد .

بنابراین فضولات و ادرار موادمندی ای که برای رفه نبات لازم است دارا بوده و بیخسوس در ایران که تهیه کود - طبیعی هنوز صورت عمل بهره اگر گرفته بسیار ضروری و لازم است البته منظور بکارکننده از دادن ارقام متشکله کود مذکور کلمات ازت و آمید فسفریک و بطاس این است که نسکی بقاله زده و آنرا از جنه های ساده بیرون

آورده باشم بلکه منظور اینست که کشاورزان ما متوجه باشند ادرار حیوانات که غالباً مورد توجه نیست چند مواد غذایی داشته و بدرد محصول میخورد و از تصبیح و اتلاف آن جلوگیری نمایند .
غالباً در دهان ایران دو از مردم اطلاع کورهای حیوانی پس از مدتی که در دهن زمین ماند و بخصوص مواد ازته آن از بین رفت بزراعت داده میشود ولی این دوش کابلا غلط است و توجه زارعین باید با موضوع معطوف شود .

کود پس از آنکه در نقطه ای جمع شد فوراً شروع به تبخیر کرده و مقدار - ماده ای از مواد ازته شود و بصورت تر کبات امیایکی از دست بدهد از این جهت باید توجه کرد که موری انجام شود که در اکثر استفاده از مواد معنوی آن پس آید .

معولا کود را بوسیله شکل میتوان توده کرد یا در سطح زمین ریاده و کودانی دوسه مرتبه که بخواهند کود را در سطح زمین توده کنند باید معالی را انتخاب کرده و زمین آنرا غیر قابل نفوذ نمایند (وسیله آجر فرش یا سیمان غیره) بند کودی که بتدریج تهیه میشود باین معال آورده توده نمایند - روزانه مقداری گچ و ادرار روی توده ریاشند و توده را فشار دهند پس از آنکه کود پارتفاع معینی رسیده روی آنرا اندود کنند که از جبران هوا جلوگیری شود .

دوم توده کردن در کودال در این طریقه کودال بزرگی که از دو طرف پاشیب معنصری شروع و شانه می بلبرد باید تهیه کرد و کف کودال را باید غیر قابل نفوذ نمود . کودی که روزانه تهیه میشود باین کودال خل داد - ادرار و بیضی اولقات کمی گچ روی طبقات باید پاشید - بهتر است که موقع بردن دامان را از روی این کودال عبور داد تا بالتبیه کود نقره شده و مانع از تصبیح مواد ازته گردد .
طریقه اول از لحاظ عمل کود بصحرای طریقه دوم از نقطه حفاظت کود مرجح است .

هلازه بر کوه حیوانی مواد (بردر و زراعت میتوانند موود استفاده قرار گیرند .

۱ - کچاله فضولات دلاکین عصاره کلر خانجیات روشن کشی و لاس و نمکله های چند و و قفاله انگور (پس از شراب سازی) و میوه های گندیده هستند اما اول باید کچاله و قفاله را برای خوراک دامان مصرف کرد مگر آنهایی که سمی بوده و پند آنها نیخورد .

بقیه در صفحه ۷

حزب عدالت شعبه کردستان

حزب عدالت شعبه کردستان نامه سر کشاده چاپی که به عنوان آقای شمس ملک آراء فرماندهار شهرستان سندج نوشته بود برای استحضار فرستاده است . از این حسن عقیقه آقایان که با وجود اطلاع از اینکه نامه کوهستان بهیچ حزب و دسته ای بستگی ندارند نوعی از اقدامات حزبی خود را با اطلاع داده اند متشکریم بدیهی است افراد احزاب و دستجات مختلف که تحت مرمانه و اساس نامه معنی دور هم گرد آمده اند اکثرأ نظار اسلامی دارند و از آنجائیکه ما هم از نشر نامه کوهستان جز این نظری نداریم خواه ناخواه در اقدامات اصلاح طبایانه هم اهنگ هم بودیم و مقدم خواهیم بود .
بر واضح است که پایودن روزنامه معینی در مرکز مانند ندای عدالت که با همکاری برادران حزبی در حزب عدالت است درج نامه سر کشاده مزبور در نامه کوهستان خال از رعایت اصول بود بدیهی است روزنامه ندای عدالت در صورتیکه لازم بداند نامه شعبه حزب عدالت کردستان را درج خواهد کرد .

ولی از حقایق که نامه سر کشاده حزب عدالت در بر داشت و مطالب آن راجع به کردستان بود ما خود را ناگزیر از تذکرات ذیل میدانیم .

ساکین کردستان بطور کلی و کسانیکه مامورینی و موقت هم در کردستان داشته اند خوب میدانند که از شروع مشروطیت بیمه جنبش اصلاح طبایانه کثیر در آن مناطق بوجود آمده و اگر استناب جنبشی هم چند صباحی توجه مردم را بحدود جلب کرده و امی نداشته و همچنین در راه اصلاح اوضاع آسیب نكشته است .

در سالهای اخیر هم که پیام دوره بیست ساله معروف شده دو هیچ جای مملکت چنین افکار بی مرض آزمایش و عمل گذاشته نشده و از ابتدای شروع دوره دمکراسی اخیر هم که مردم خود را آراه میدیدند بطلی که برده و واضح است چنین جنبشها و احزابی در کردستان تشکیل نشده است .

بگذریم از اصل لزوم وجود احزاب و بگذریم از این اصل در تمام کشورهای جهان کارها بدست جمعیت ها اداره میشود و بگذریم از آنکه بیک کتولی هم که چند سال است ادامه داده و می توانیم بگویم در کردستان

در کردستانی که سالهاست فراموش شده در کردستان بیکه از لحاظ فرهنگ و تمدن و رفاه و ترقی است که در نهایت رجه انعطاف قرار گرفته به بینیم در این کردستان حزب آبا تشکیل شده است یا نه و افراد آن چه خواهند توانست کرد ؟

در کردستانی که بیکه خردتان رئیس دارایی و خلاف قانون و اصول و شاید برای حفظ مصالح شخص کارمندان اداره شرا از دوره به حزب منع میکنند .
در کردستانی که شاید همه زبانی از ترس فرمانده لشکرو روسای ادارات جرأت خواندن روزنامه نداشته باشند .
در کردستانی که مردم فقط بپیشرفت امور خود در تعلق و خوش آیند گفتن بداند .

در کردستانی که هر کس بشام مامور بیاید بیبل خود و هر قدر که بخواهد نوی سر مردم بزنه و طس از کسی بیرون آید .
در کردستانی که هر کس صدایش بلند شود بگویند استقلال کرد می خواهد .
ها چه می خواهید بکنید ؟

شما از فرماندهان می خواهید بانگا دستور هوایی که چند سال پیش رئیس الوزرا داد و گفت فرماندهان در ریاست عالی دارا عدالت رئیس دارایی جلوگیری کند ؟
بقیه در صفحه ۷

تربیانسون مخصوصی برای درج اشعار و آثار ادبای کرد در روزنامه کوهستان باز خواهد شد و ذیل هر قسمتی که چاپ شود نام فرستنده درج خواهد شد .

بقلم آقای محمد مردوخ (آیت الله کرم الله تعالی)

۷-

کرد و کردستان

کردستان عبارت از اماکنی است که کردها از زمانهای پیش از تاریخ با آنها آمیخته و در آنجاها پراکنده شده سکونت گزیده اند.

حدود کردستان

یعنی مرز سکونت گاه طوایف کرد که اکنون هم در آنجاها سکونت دارند از این قرار است:

از طرف شمال - ارمنستان از طرف مشرق آذربایجان و عراق ایران (یعنی عراق هم) و غوزستان که سلسله جبال زاگرس در این قسمت واقع است از طرف جنوب عراق عرب (یعنی بابلستان) از طرف مغرب رود فرات و ولایات آسیای صغیر.

جدید استوفی در کتاب (توزعه القلوب) نوشته که مرکز کردستان در سابق شهر (بهار) بوده تقریباً هشت میلی شمال همدان پس از آن به (سلطان آباد) چچال نزدیک کوه (پستان) یعنی بیستون انتقال یافته و ولایات ارمن و جزیره جزو کردستان بوده است از ریل و آمد هم جزو ولایت جزیره بوده اند.

بر طبق این روایت در قرن هشتم هجری کردستان عبارت بوده از شانزده ایالت ذیل: ۱ - آلانی ۲ - الشتر ۳ - بهار ۴ - مخنجان ۵ - دربند تاج خانون ۶ - دربند زنگی ۷ - داربیل و بیزیل ۸ - دینور ۹ - سلطان آباد چچال ۱۰ - شهرزور ۱۱ - کرمانشاه ۱۲ - کرند و خوخان ۱۳ - گنگاور ۱۴ - ماهبدخت ۱۵ - نایق و ستام ۱۶ - بیستون

در السیکلوپیدیای اسلام نوشته - کردستان اراضی مستطیلی است که استقامت همی آن از جنوب شرقی (ارمنان) به طرف شمال غربی ملاحظه امتداد یافته است قسمت شرقی (مادستان) را ترک کرده است بهر حال بر طبق تحقیقات صحیحه اضافه بر قسمت مادستان منطقه لرستان و سنه اردلان و قسمت جنوب شرقی - آذربایجان و خوی و سلساس و ارومیه و ماکو و مکرری هم جزو کردستان ایران هستند

کردستان در دامنه جنوبی (هضبه) - ارمنستان واقع شده که ارتفاع آن کم کم قهقان میسربرد تا که دودشت بین النهرین بکلی ارتفاع ناپدید شود و در این ارتفاع جبال کردستان بطور کلی از ارتفاع خیال ارمنستان خیلی کمتر است چنانچه کوه (چل چه) یعنی چهل چشمه که رود (فرل رودان) یعنی سفید رود از آنجا سرچشمه میگیرد منتهی درجه ارتفاع آن ۴۰۰۰ متر است و ارتفاع کرده (کل خان) واقع در بین - سنز و پناه (۲۲۵۵) متر است و ارتفاع کوه (سار دین) واقع در بین دجله و فرات

کردستان غربی (۱۱۰۰) متر است. در صورتیکه ارتفاع (آرازات) منجاور از ۵۰۰۰ متر است. کوه عیدالکبیر و جبال سنجاور هم از کوههای کردستان اند و در جنوب این جبال صحراها و بیابانهای پهناور امتداد یافته تا حدود الجزیره منتهی می شود.

طوایف اصلی کرد - بر طبق مدارک تاریخی و آثار مکتوبه گروه کرد بدو قسمت تقسیم می شود بکسبیت کرد هائی هستند که از چند هزار سال پیش از میلاد مسیح تا کنون همیشه خود را کرد معرفی کرده اند و مورخین خارجه و داخله نیز آن ها را با این نام ذکر کرده اند.

قسمت دیگر - کردهائی هستند که اخیراً در قرن نهم پیش از میلاد خود را (ماد) نامیده اند و مورخین هم آنها را با این نام (ماد) ذکر کرده اند قسمت اول همدان کردهائی هستند که از طرف ارارات یعنی کوه (گودی) که آرا جیل جودی گویند آمده اند و در امتداد دجله و فرات غرباً تا سوره و همدان و سواحل فارس و مغرب مدیترانه و غرباً تا خلیج فارس و سواحل دریای عمان پراکنده شده اند و منظومه (زاگروس) جزو این قسمت است قسمت دوم - کردهائی هستند که از طرف

آسیای وسطی بسمت باختر یعنی خاور ایران آمده اند و از آنجا هم جنوب و باختر (آسکون) که حالا بحر خزر یا دریای مازندران گویند آمده و تا منطقه آذربایجان و نواحی اچمیان و آکرتان و لرستان پراکنده شده اند و این گروه و پیروان را بنامی اسم جدید آنها (مادایان) یا (مهدیان) گفته اند (درواز مدی) که در پهنه بال و بین النهرین در نهایت عظمت و استحکام با آجر و قیر ساخته شده است و این قسمت است - (طوایف اصبه) قسمت اول یعنی گراد حرب که مشهور بطوایف منظومه (اگروس) هستند - از این فرارند ۱ - لولو ۲ - گوتی - ۳ - کاسو ۴ - سوبارو.

طوایف اصبه قسمت دوم هم از این فرارند: ۱ - مایا - ۲ - نایری - ۳ - کارهوخ این هفت طایفه طوایف اصبه گروه کرد اند که بعد طوایف لر هم به هم از آنها ملحق شده و هر طایفه لر هم به شش به چند تیره شده اند که همه آنها منجاور از همدان تیره است و شرح حال همه را در کتاب خود (تاریخ مردوخ) مفصلاً نوشته ام جوهر و خلاصه آن تا جایی که گروه کرد در پیشرفت هوکت و هفت کت گومر ایران و تشدید مبانی اسلامیت در این سامان یکی از قوای عامل بوده اند. در بدو بویژه علما و امراء کرد در نظر علوم و معارف و بسط

دیانت اسلامی و توسعه فتوح و اقتدار دولت ایران، سوابق شایان توجه دارند - در بدو طلوع دولت عباسی گروه (کرد) برای پیشرفت اسلام بکلی از قوای موثره در فارس و عراق بوده اند. قائد کبیر و مؤسس دولت (آل عباس) شخص (ابومسلم) خراسانی که بکلی از رجال نامی کرد خراسان بوده. در مرو در اواسط قرن دوم هجری ظهور کرده. منصور (ابوجعفر) امر بقتل او داده است. ابو دلامه، غلام حبشی منصور در هنگام قتل او کشته است - ابا مجرم ما غیر الله لعله، علی عبده حتی بیترها الله الی دواته منصور خوارت خدره الان اهل الذکر آياؤک الکرده. ابا مجرم خوفنی القتل فانتحنه. علیک بیاخوفتی الاسدالورده.

تشکیل دولت عباسی و ضمیمت کشور ایران را بکلی تبخیر داده و ایران را ازال (اختناق) در آورد. که شوکت و اقتدار از دست رفته را دوباره بدست آورده. و در کنار رود (زاب) شکستهای قادیسه و نهاوند را تلافی کردند.

(ویلیام مور) انگلیسی و (دوری) مورخ معروف مینویسد که ایران در زمان خلفای بنی عباسی دوباره شوکت و احترامات از کف داده خود را بکف آورد و مناسب و مغایر مذهب درباری را احراز نمودند و جشن نوروز دوباره در این دوره تجدید یافت گروه کرد در کابله علو برسی و ریاض دارای تألیفات مفیده اند کیوو گودرز و کرکین و بهرام چوبین و فرهاد - هیرین و قیاب خسرو و پرویز و حسین کرد و امثال آنها از سرداران نامی کرد بوده اند که شوکت و اقتدار سلاطین کرده و پارس از برتو (گروز و شمر) آنها حراست شده است حمایت بیرونی (احمد بن مروان کرد نصرالدوله مؤسس امارت کردیه و مروانیه و داستان سلطان صلاح الدین کرد بانی دولت کردیه از بویه و رشادت های تاریخی و اکیل الرعایا (کریمخان زند) بانی دولت کردیه زنده و افتخارات اکراد اخیسیده در هرام و میاهدات آل خورشید در لرستان و اوضاع دیپلمه آل بویه در هرات و بغداد که اوران تاریخ گواه آنهاست. ما را اجازه میدهد که بگوئیم گروه کرد بجز تشدید مبانی اسلام و بسط توسعه معارف و شوکت و عظمت دولت ایران. یک رکن در کین و یک عامل مؤثر متین بوده اند

از نویسندگان گرامی تقاضا میشود مقالاتی را که برای درج در نامه کوهستان ارسال میدارند طوری باشد که از دستون کوچک روزنامه تجاوز نشاید.

آگهی حصر وراثت

بنابر ۱۲/۱۲/۱۳۲۳ آقای معبود بیگ بشناسنامه شماره ۲۰۷۸۱ طبق شناسنامه شماره ۲۰۴۷ مورخ ۱۳۲۳/۱۲/۲۵ - باستاند بگبرک گواهمنامه و روهت شناسنامه تقاضای گواهی نامه حصر وراثت نموده بدین توضیح که مرحوم حاج میرزا احمد بیگ زائر دارنده شناسنامه شماره ۲۰۷۸۸ در تاریخ ۲۲/۰۲/۱۳۲۳ در تهران چاهکاء هیشکی خود وقت بمانه و تقاضای پسر و بانوان فاطمه بیگ زائر بشناسنامه شماره ۲۰۷۹۴ و نصرت بیگ زائر شناسنامه شماره ۲۰۷۹۰ و زهرافرهودی بشناسنامه شماره ۲۰۷۹۵ دختران منوفی و وراثت منحصرش میباشند پس از همین گواهی گواهان بران سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه کشور شاعشنه و یکی از روزنامه های مرکز آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و بوفتن منترشی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد ولی اگر کسی وصیتنامه از منوفی دارد بدست مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲ رئیس کل دادگاههای بخش تهران. امامی اهری

ماه غسل

-۴-

پس از اطمینان جیس مسکوت را در هم شکسته گفت: سلیبا حال که من وضعیت خود را برایت شرح دادم، ما امام تو هم شرح بختی از زندگانی که در آنجا بودی. من متعجبم که آیا در جواب او چه باید کردیم. آیا وضعیت خود را برایش شرح دهم یا نه. باز پیش خود فکر کردم مسکن است صحت و گفتگوی از قبیل همان وضعیت را که با زور فراهم نمودم. آیا برایش آوردن زاین روگفتم من نیز مانند شما از دانش خویش و پدر و مادر محروم هستم و حذر دستم هم در زندگی برای خود اختیار کرده ام. جیس از شنیدن این حرف چشماش از شوخی بر فرزده گشت: آه چه بر خورد خوبی، هر دو بیسار هستیم خداوند ایضا خواهد خواست ما یکدیگر نزدیک شویم. اما من احساس کردم که جیس را آخورد که باید دوست ندارم و هر چه سعی کردم خود را راضی برای ازدواج یا او کنم مسکن نشد. از این جهت خواهش او را بی جواب گذاشتم.

آرزوی بدینینوال گذشت روز بعد برای پدر و جیس مرا با طاقن بود خواسته گفت: من فردا انگشتر نامزدی را برای تو خواهم آورد. این مرا پیش از پیش در فکر ادبانت دینک هم آجا آورده که با او مشورت کنم. علاوه بر این، من می توانم بدون اطلاع پدر و مادرم خود اجازه دهم مبادرت چنین کار شایم. در این فکر و خیال عصر سیزدهم بر گشتم کافندی روی میز یافتیم که پدرم بین نوشته بود با حیل سر آفرای باز کرده چنین خواندم:

سلیبا عزیزم هر چه زودتر مرا جت کن که مادرت صحت مریش است و کسی ایست که از او تو چه کنده هر روز وضعیت مرا پیش پدرم بشود منتظر مرا جت تو هستیم. پدر تو.

از طرلی خبر بسیاری مادرم بی نهایت کسالت روحی دو من ایجاد کرد ولی از طرف خوشحال بودم که بدین بهانه بتوانم از دست جیس خلاص شوم. از نتیجه خود را جمع کرده هاز به شهر خود شدم. هنگامیکه سیزده رسیدم وضعیت منزل را در گرون یافتیم. سررفت هر چه تا منتری بطرف اطاق مادرم دویدم. در آن باز کردم پدرم را روی صندلی نزدیک تخت مادرم غرق در دریای فکر دیدم. من خود را بخلاف تخت مادرم رسانیده و سر او را در باز و ام گرفته بوسه چایی از پیشانی و گونه های او برداشتم.

مادرم از دیدن من خیلی خوشحال شد و با تبسم شیرینی گفت چه خوب شد که زود آمدم. چند روزی از ورود من به شهر خود گذشت یک روز عصر شیدم در منزلت آمده. بطرف درب دینم آنرا باز کردم دیدم جیس دم در ایستاده با چهره ای رنگ بریده و افسوسناک از من گفت چرا بین دروغ گفتی که پدر و مادر نداری. در جواب گفتم آندی جیس خواهش میکنم مسرا فراموش کنی و از دروغی که بشما گفته ام بگذر. میخواهم جیس در حالیکه عبارات اینک از گوشه چشماش سرازیر بود گفت: آه سلیبا تو یکجا شمس هستی که زندگانی من بدون تو، حال است بیا دست لرزان مرا بگیر و سگدار زانوهایم از بر خورد به سنگ های خیابان مجروح گردد بیا او را از خود مران و درخواست مرا بپذیر و مرا تا ایام مرهون منت خوش سالار. بدون اینکه کلمات او کمترین اثر در من گذاشت در برابرش بیست داخل حیاط شدم افکار عجیبی در من ایجاد شده بود گاهی فکر زور افندم هنگامی جیس در نظرم مجسم میشد زمان بختها و عبارات و تروت هار هنگامت این دو مرد را جاری چشم بود. جسم میگردید ولی...

کوسه و ریش پهن

بجز با لابل و منطاق و مدرك مادر لوفت های خود نظری جز سادات هم بی نشان نداریم. مانا میترابیم سعی میکنیم و میگوئیم که شطراشاد تنه کنیم اما اگر هم سادات تنه خود را ضای بشاید این دیگر امری است علیحده.

چگونه مسکن است این مراسلات مفعول و تأخر آوری را که هم شهریه های ما از دست ما مورین مالیات بردر آمد می نویسد که و انما امر انسانی را ما تره میکند و پیدا است که حقیقت است نادیده گرفت. چگونه مسکن است آن گفته های را که مرتباً میرسد و نویسنده گان با نهایت جدیت درخواست می کنند درج کنیم و نام آنها را بصراحت بنویسیم. حمل بردروغ کرد. يك مرض دو مرض ده مفرض تمام مردم را که یکبار نیستند برای تفریح بردارند و کاغذ بنویسند آیا میشود گفت همه اینها دروغ میگویند همه مفرضند همه بصراحتند جانی رئیس دارائی و ما مورین مطالبه را بگیرند.

در مقابل تمام اینها که باغضار ذکر شده ای هم می نویسد رئیس دارائی آدم خوبی است! السوس که مراسلات وارد و شگاف زیاد است و صفعات نامه که مستحق هم کوچک والا هم را درج میگردیم والا خواننده گان میخواهیم خود قضاوت کنند و این معمای «کوسه و ریش پهن» را حل کنند.

...

در میان شکایات متعددی که از طرز عمل تست مالیات بردر آمد سندخ یاداره روزنامه رسیده در این هفته تلگرافی هم باضای هدای واصل شده که تذکر ما را در شماره اول نامه کوهستان به اینکه رئیس دارائی اگر نادرست است خود را تصحیح کند و اگر درستکار است از اجعانات و اخاذی های زیر دستان خود جلوگیری کند. عاری از حقیقت بنده افته بودند اگر چه تلگراف قدری مشکوک بنظر رسیده و از مقصد آن و مقایسه تاریخ وصول اولین شماره نامه کوهستان و تاریخ مغایره تلگراف که پیش از پانزده روز فاصله داشت چنین استنباط میشد که برای باضاه رسانیدن آن وقت زیادی صرف شده ولی این تست چندین قابل بحث نیست چیزی که تذکرش لازم است این است که اگر ساموری یا چند نفر از اصماط احکیم مقام خود خوش رفتاری کرده در حالیکه دیگران را در آتش ظلم و جور سوزانند دلیل نمیشود که گفت چون فلان و فلان از او راضی هستند آدم خوبی است بلکه باید عادلانه نصارت شود.

از موقعی که ما نلم دودسه گرفتیم و بنا انتشار نامه کوهستان خواستیم خدمتی را که به آب و خاک اجدهان خود مدیونیم انجام دهم. تصمیم گرفتیم حسب بقیش را کنار بگذریم و قضاوت کنیم مگر قضاوت عادلانه، از کسی طرفداری نکنیم و مگر جبن، و بکسی حمله نکنیم مگر

ولی هیچکدام برای من واجب نبود و از طبیعت سبب است که مردم که چنین و این دورد جهانی افتاد. تنها فکر من این بود که باید با کسی ازدواج کنم که قلبم از روی حقیقت او را پسند کند. خلاصه چند روزی انتظار نتوجه این تستها بود تا روزیکه روی نشخواب خود خوابیده و آنچه خود را بر رسی میگردم با گذر در بطن من باز شد دینک دوست من وارد گشت.

شاهعه دینک مرا غرق در مسرت و خوشحالی کرد و وحس کردم که این همان کسی است که من او را از صمیم قلب دوست داشتم و جز او کسی دیگر را میخواهم دیدگان دینک نیز گواه بود که مفاقت من مسرت زیادی در وی ایجاد کرده است از اجوامم برید باز سر نوشت خود را برایش شرح داده و شبمانی و اوست خود را از معاشرت با او مرد نروتنند بنی زور و جیس برایش بیان کردم. دینک از اظهارات من بی اندازه خوشحال شده بدون اختصار مرا در آغوش کشیده بوسه های چند از گونه هایم گرفت و بگفت:

سادت و این بختی من شروع شده سلیبا تو هم خود را برای ماه غسل آماده کن.

پایان

نگانی راه کشاورزان باید توجه نمایند

ساخت بطوری که ادوار حیوانات در آن جاری شود به در وسط آغل یا طویل جویهای کوچکی ساخت تا ادوار از سطح آغل در آن راه یابد جویها را باید منتهی به زمین ادوار کرد.

۲- خاکستر - خاکستر خوب ماه مغزبه خوبی داده ولی فاقد مواد ازت است و برای باغی که احتیاج زیادی به ازت دارد بهترین مایه هستند و در بیشتر هفتاد ساله طور که در اغلب نقاط مرسوم است اختلاط آن با کود حیوانی یا انسانی نتیجه خوبی میدهد.

۳- کود انسانی - باید پس از خروج از راه فوراً بر زمین داده شود - کود انسانی برای غله و سبب زمینی مفید نیستند و برعکس در زراعت چمندر - کلم - شامهاده کف - توغن از آن میتوان استفاده کرد.

۴- فضله طیور - فضله طیور نیز کود خوبی بوده و در بعضی از نقاط ایران مخصوص در اردبیل از آن استفاده شایانی میشود.

۵- مواد زائد - از قبیل اجین - حوض شک و گل مرده - علف هرزه و خشکیده - کاه - استخوان - پر - پشم - لاشه - حیوانات - میوه های کنده - خون و امثال آنها برای تهیه کود باید مورد استفاده قرار ندهند و این مواد را میتوان قبلاً پوشانیده و ضمن تهیه کود مصنوعی که ذیلاً بیان میکنم بصورت کود قابل جذب درآورد.

۶- کود مصنوعی - چنانچه کود حیوانی که در دیه تهیه میشود کافی نباشد باید تهیه کود مصنوعی پرداخت برای این کار باید کودهای تهیه کرد و روزانه هر مقدار مواد زائد و برگهای درختان و علفهای باطلاتی که تهیه میشود در آن ریخته.

۷- مایه های پشم ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر تهیه نمود سپس یک طبقه پشم ۵ تا ۱۰ سانتیمتر بین روی آن ریخته و مرتباً با ادوار آنرا آبیاری کرد. در عرض سه روز تغییر شروع خواهد شد سپس طبقه دیگری مثل طبقه اولی اضافه مینمایند بهتر این است که هر مرتبه توده کود مصنوعی را بشمارند. اگر مواد اولیه کم باشد پس از ۷ ماه و اگر بزرگ و غیره باشد پس از ۴ تا ۵ ماه تغییر مشاهده میاید برای آنکه تغییر خوب انجام شود باید ادوار و بین در صورت امکان مقداری گریبات دو شو (در حدود ۵۰ کیلو برای سه خروار) به توده اضافه کرد.

۸- ادوار بطوری که ادوارها در ادوار حیوانات مصنوعی مواد مغزبه زیادی است. متأسفانه در دهات ما در اثر ساختمان مخصوص آغلها و طویلها بکلی ادوار را تلف شده و استفاده ای از آن نمی شود از این جهت نکته ای که قابل تذکر میباشد موضوع نگاهداری و استفاده از ادوار حیوانات است. برای این منظور باید کف آنها و طویلها را هم قابل نفوذ

شکایات وارده کنس و تلگرافی بسیاری از شهرستانها رسیده اکثر آنها بسیار مشکل است از آنجا که ما مهربانان حتی التماس و تقاضای مطالبی را که خوانندگان ما مهربانان هم صفحات نامه کوهستان کوچک است از عموم - خوانندگان تقاضا داریم مطالبی را که مایلند در روزنامه درج شود مختصر تر مرقوم دارند زیرا با آنها کم مقالات و کثرت شکایات وارده ناچاریم از اکثر مکاتیب وارده خلاصه ای استخراج نموده چاپ کنیم و در این حد ممکن است گاهی ننگانی را که مورد توجه نویسنده است از قلم بیاندازد برای جلوگیری از این ایضا بهترین راه همان است که خود نویسندگان مختصر با مختصر بیان بپردازند.

تلگراف از سنقر

تلگرافی از سنقر با مضای عده ای رسیده که از بهشتهار آنجا اظهار رضایت نموده ضمناً تقاضا نموده اند که نظر به اهمیت و وسعت این منطقه بهتر و شایسته این است که دولت سنقر را همانطور که سابقاً هم بوده در تشکیلات کشور شهرستانها - محسوب دارد.

تلگراف از سنندج

تلگرافی از سنندج رسیده و از طرف عدل شرکت بخش کلای دختایانی اظهار رضایت نموده اند - تلگراف نامبرده با مضای عده زیادی مخابره شده است.

تلگراف از سنقر

آقای یوسفی تلگرافاً تقاضای رسیدگی و توجه به وضعیت خود نموده اظهار بیاداری و ناتوانی و غیره را برای سوخت و اسطبل و گاراژ را برای قرارگاه و متداری کاه مورد نیاز متدیش را برای عایق قست سوار آنجا مصرف کرده و با وجود دستوراتی که داده شده توجهی به سوارات وارده او ننموده و هنوز دفع مزاحمت نشده است.

بقیه اخبار داخله

رسیدگی بامور فرهنگی و ایران خطابه

آقای سید علی اسفندیجی از طرف وزارت فرهنگ برای رسیدگی بامور فرهنگی را براد خطابه های مختلف بامور کردستان و مهاباد و استان سوم شده اند.

حرکت دانشجویان اعزامی بهند

دسته اول دانشجویان ایرانی که قرار بود در هندوستان مقبول تحصیل شوند از تهران حرکت کردند این دانشجویان آذربایجان معهود توفیق جلال تتاوش - یحیی فیوضات یوسف نمازی و بیژن باسی هستند و چهار نفر اول دوره کتوروزی و نفر آخر در جنگل شناسی تحصیل خواهند کرد.

ایجاد باشگاه

انجمن روابط ایران و آمریکا اقدام با ایجاد باشگاهی بنام باشگاه ایران و آمریکا کرده است.

تزیینت بامریکا

آقای حسن زاهدی که از کارمندان با سابقه وزارت دارائی هستند و اخیراً ریاست کارگرنی بانک کشاورزی و پیشه نهر ایران را دارا بوده اند برای باره معاملات بانکی بامریکا ترتیب داده اند.

که اول بگروه پس از اندک مدتی کنار خواهند رفت.

امیدواریم این پیشنهاد دوستانه ما خدای بر طرفدارای از کسی شده و موجب پاس نگردد بلکه بیشتر افکار را متوجه اصلاحات اساسی نموده و بداند که کردستان باید آباد گردد و کردستانیان باید غنی شوند در آسایش و راحتی بزرگ بازار مظلوم وجود و مستحکمی باید بر جیده شود.

نظریات دیگر خود را در شماره های بعد خواهیم نگاشت.

کوهستان

تلگراف

مجلس شورای ملی - رونوشت وزارت جنگ و نوشت آفای
 صدر قاضی رونوشت نامه کوهستان، رحمن قلی پور که حال پنجاب
 هزار تومان دویب وکلای مهربانی سلطان از سردشت بود در چهار
 ماه قبل ورود ارتش شاهنشاهی سردشت، فرمانده لشکر کردستان
 نامبرده را بدون تحقیق و تاهیر قوری دستگیر و زندانی و ۱۳ راس
 مال را زیر مهره کشیده و تا حال در حدود یک هزار و پانصد تومان
 مخارج چهار ماهه مالهارا حسن خرازی سردشتی پرداخته و یکشاهی
 گرایه مال هم پرداخته اند بطور اطلاع واصله هشت راس مالها
 تلف و توکرها نیز منقود شده مگر بقیامات مربوطه شاکی دستور
 لازم از طرف مقامات مربوطه دایر بر ابرام توفیق رحمن و مالها صادر گردیده
 ولی فرمانده لشکر کردستان ابدان ترتیب اثر نداده سول است نامبرده
 را بزندان کردستان اعزام داشته متنی است استرحاما رسیدگی
 فرموده در صورتیکه رحمن مقصر است برونده او را بدادگاه اسائه
 والا باغراض شخصی در این دوره دستکراسی این بیچاره جرابدون
 جبهه زندانی بماند و مصطفی سلطانیان با ۱۸۸ نفر هاله و سیاه کلی
 بدعکاری چرا بدبخت گردد، هوم اعالی مهاباد تسلی راع ششم واسترداد
 خسارت وارده زمینبایم.

خانی - شریفی - صدیقی - حیدری - رحمانی - قادری - حمیدی
 بلوریان - ابراهیمی - محمد املانی - حقانی - رحیم نظامی - شریف
 رشیدی - یوسفیان - غلورالیاس - هاشمی - جزوی - کریم فرهادی -
 ولیزاده - عزیز صدیقی - رحمن ولیزاده - غلور ابراهیمیان - محمد
 داودی - عبدالله شریفی - حبیب داودی - خسروی - لطیفی - حسن فلاحی
 محمد خرازی - محمد مقلی - حسن زیری.

۴ سندج و اداره فرمانداری وسایر ادارات است گواهی صدا قسم
 بنمایم.

طبق امریه ۱۴۲۹۲ تاریخ ۲۲۷۷۱۱ هیئت وزیران قعودی
 بیست یکصد رز آب و توابع موصوب ودر این مدت که هفده ماه
 تمام میگذرد تنها حقوقی باین پنده پرداخت نشده بلکه کلیه
 مکاتباتی را که بفرمانداری کردستان و هیئت دولت تقدیم داشته ام
 بلا جواب مانده است.

پدبختی این است که نه تنها در قبال این خدمات قدردانی -
 نمی شود و بعضوقتان رشیدی کی لیکند از اول اسفند ۲۳ هم تا بحال
 بی رویی مراسلات تهدید آمیز ویراز قهر و غضب از فرمانده لشکر
 سندج بدوی و بصحت هزار نفوس بیچاره راصل شده که بکلی سلب
 امیدواری از هنایان شاهنشاه جوانبخت و تخییر رژیم شده است.

در این کوهستان اورامان وحشت و کثرت برف و یبارندگی
 قعودی و اعالی تابه توهم حاصل رسوده و از وصول مراسلات
 و تهدیدات مامورین بسا هیل و اطفال و اسوالم
 احتشام باین کوهها و اطراف پراکنده اغلب در زیر برف بهلاکت
 و آخرین خسارتها رسیده ایم.

اینک بانهایت پریشانی بآستان مبارک متوسل و تهاضای رسیدگی
 دقیق و تاین آسایش خود را از مقام عالی داریم.

چنانچه قعودیان راجزه ملت ایران منظور میفرمایند سزاوار
 بیست جمعی المی مانده، دهن طام را بجان و مال و زندگی قعودیان
 باز نموده و هر روز تولید اشکالی بر ایمن بنایند و بسک مشت ملت
 میهن پرست و قداکار را از هنایات و مراسم دوات متبوعه خود حاصی
 نمایند.

باینکه دارای همه گونه اطلاعات و قبال اجرای همه گونه
 خدمات هستیم از یکایک آسایشها و راجع ماموریتها و قوانین کشور
 محروم و آرزو مند جان و مالمان هم شده اند در خانه ای بی دوارم که
 در رسیدگی بر ایضشان توجه مخصوصی مبذول فرموده و چنانکه از
 افراد این کشور نیستیم امریه ای بنام آزادی صادر فرمایند که هر یک
 بپهلای خارج پناهنده شده و سکونت حاصل نمایم.

مو کول به امر عالی است - رئیس هشایر اورامان رذاب
 حسن رزایی

آیا دولت بشکایات مردم رسیدگی خواهد کرد؟

هر کسی که ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد نلاحظه نکایت مفصلی
 است که یکی از روسای هشایر آقای حسن رزایی بآفای وزیر مشاور
 نوشته تقاضا کرده مامم درج نمایم.

از تاریخ ۱۳۰۵ که مرحوم سرانگشگر طبیبی سربوان تشریف
 فرما شدند، قعودیان و اعالی متبوعه بدون هیچگونه تمددی نسایم و
 نیروی نظامی و وسایل ادارات را برباب آورده و با ابراهیمهاست و
 خدمتگداری نیروی نظامی را تقویت نموده و در جنگهای مختلف از
 قداکاری خودداری ننمودیم.

پس از تاین مناطق و سرکز یادگانها دوزخ مامورین دولتی
 بنظور اخذ ترفیحات خود وسوء استفاده نمودن قعودیان را هم با
 متردین قلنداد و هنگام دستگیری روسای هشایر بیوض جبران خدمات
 شخصی بنده را با مرحوم حسین خان ابوی و محمدخان و محمدخان و
 احمد بیگ و محمود بیگ و ارج افغانا و جمعی دیگر از معتمدین مریرطه
 بزندان مرکزی اعزام و در غیاب قعودیان هائله و وطنیا و ایلاک و انبایع
 مارا تحت فشار قرار داده در اندک مدتی با گلاسه سازهای گوناگون
 کلایرا از هشت و نهم کی سانت و هشتی را اهم از اموال و احتشام و غیره
 از آتاق گرفته جمعی را منواری و مدهی نیز از گرسنگی و بلاکت
 رسانیدند. شوه قعودیان هم که در زندان گرفتار بودیم و بفریادمان
 توجهی ننموده و بجای رسیدگی اگر مختصر مخارجی هم واصل
 میشد مامورین آن را با نهمید و اجسرای احوال شانه از دستمان
 میگرداند.

پس از یازده سال حبس، در پیش آمد شهر پور ۱۳۲۰ فقط بنده
 و محمود بیگ جانی از زاده بدر برده و بقیه در زندان قهای مقاصد و
 اغراض وسوء استفاده مامورین گشتند.

با عطف توجه بقداد هرح بلا که بکسفره از جور و ظلم و
 احوال جنگیزی مامورین است، مامورین قهای هم چشم طبع بهستی و
 جان و مال و ناموس مردم دوخته اند.

از تاریخ پیش آمد شهر پور ۱۳۲۰ همان انسانی که در هک
 ۲۳ مردمان در توابع آسایش اتصالات و قبول شون خوردن و بردن اموال
 و هشتی و عیال و فرورخن شواری و بار و تجهیزات سربازان بیچاره بودند
 و فقط در تهیه تجهیزات و جمع آوری نرورت و مسکت
 میگوشتند در موقعی که سعتی حاصل نشده بود نسبت
 ها و هده های خود را در هر فرشت ساعت معائنات نگردیده جمعی را
 منواری بضرور از گرسنگی و قستی را با کشته شدن از بین برده
 فقط آقای سر هک راستی با چند غری از افسران و افراد بیم جانی
 را به رذاب رسانیده و با این که قریه رذاب برای دستگیری ایشان
 از اطراف معاصره شده بود اشوان و انبایع قعودی با وجود تمام
 ظلم و جوریکه این چند سال تحمل کرده بودند از قداکاری خودداری
 ننموده پس از یکم هفته زور خود با معاصره کنندگان ایشان را
 صحیح و سالم با وجود هائی که با شوه داشتند تا شهر سندج بدرقه
 نمودند.

بدان این واقعه قعودی نیز بهعل وارد و منطقه را بر از احوال
 شورش دیدم منطقه بر صاحب رها با متفرق و منواری و هرح و مرج
 حکم فرما بود.

در این موقع هم عشق وطن مرا وادار کرد که بنام هم کسر
 خدمت بسته و از این منطقه سر برتی کنم.

مدت سه سال بدون هیچگونه مراجعه بدیگران سلطنت این
 منطقه را هیده دار بودم فقط بامامورینی که دستمچ بودند نکایت
 و ارتباط ممشکی داشت و یکایک گزار هات خرید را در دقاتر لشکر